

## دستان پرمهرتان بوسیدنی است

### نگاه

شهرام وزیری

در این همه تباهی پشت تباهی، در این همه گشته‌های بسته شده در جای جای این دیار غم‌زده، در پس این غمبارگی‌های نقش‌بسته در دل‌ها، شما ای فرشتگان سپیدپوش از کدامین قبیله ایثار آمدید؟ شما در کدامین صبح بهار سپیده زدید؟ شمایی که پهلوانانه دارید در این آوردگاه نابرابر شمشیر بر این هیولای ناپیدای بی چهره می‌کشید! سوگند به خدای رحمان که وفاداری‌تان به بقراط سخت به باورها نشست. ای درمانگران صادق درمان بخش، ای جان برکفان جانفزا، ای فرشتگان سپیدپوش، ای پرستاران پرستنده از جان گذشته، خدا قوت در این آوردگاه نابرابر!

ما چشم انتظار شماییم، دلبسته به دست‌های معجزه‌گر شما. ما از بام تا به شام در پس خانه‌های در بسته، دل به دل شما و نفس به نفس شما بسته‌ایم؛ خدا یا رتان. ما به تلاش و از خود گذشتگی شما سپیدجامگان پهلوان ایمان داریم. ما در این روزگار شاهنامه سوخته رستم‌سوز مادر، این زمانه فتوت گم‌کرده بی‌معرفت پهلوان‌مرد، چشم به معرفت و از خود گذشتگی شما پهلوانان سپیدپوش داریم. این شماییم که در این جنگ نابرابر قادرید با شمشیر آخته خود بفرق این دژخیم بزنید. ما برای رسیدن به این پیروزی سترگ با ماندن در پس خانه‌های مان، شما سپیدپوشان نستوه راتنها نمی‌گذاریم. این تنها خدمت ما در این جنگ نابرابر است.

## یک طلب و هزار پرداخت

### طنزیم

هومن جعفری



برای یازدهمین بار در ماه‌های اخیر، باشگاه ماشین‌سازی طلب دخسوس دروازه‌بان خود را پرداخت کرد! این خبر برای یازدهمین بار متوالی است که اعلام می‌شود. باشگاه ماشین‌سازی همچنین برای یازدهمین بار متوالی اعلام کرد که قصد دارد برای هشتمین بار حقوق شیمبا را نیز پرداخت کند. به احتمال زیاد فیفا نیز برای سومین بار متوالی این باشگاه را محروم خواهد کرد که البته فدای سر آقای هوشنگ! اما امثال هوشنگ‌ها را آسان به دست نیارده‌ایم که آسان از دست بد بهیم.

ارتباطات ضعیف، دلال‌های منفعت‌طلب، زندگی غیر حرفه‌ای

## حلقه مفقوده

میعاد نیک

خبر لژیونر شدن علیرضا بیرانوند همانقدر که برای مان خوشحال‌کننده و نویدبخش بود، به همان میزان نگران‌کننده به نظر می‌رسید. در سال‌های اخیر تعداد لژیونرهای ایرانی شاغل در اروپا کم نبوده اما دروازه‌بان لژیونر چیز دیگری است؛ ریسکی بزرگتر با احتمال پیروزی یا شکست به مراتب بیشتر. پس از امیر عابدزاده که با هدایت عقاب آسیا و رهنمودهای وی توانسته در لیگ پرتغال دوام بیاورد، گلر ایرانی دیگری نبوده که یاد و خاطره حجازی و عابدزاده را در اروپا زنده کند. علیرضا حقیقی و سوشامکانی بین لیگ برتر ایران و لیگ‌های درجه ۳ اروپایی جابه‌جایی شدند و چشم امیدمان به علی بیرو دوخته شده بود تا از لیگ جزیره، لالیگای سری A سردر بیاورد.

لژیونر شدن علیرضا بالاخره رخ داد؛ اما چرا آنتورپ بلژیک؟ ژوپیلر لیگ در سال‌های اخیر تبدیل به یک مقصد مورد اطمینان برای ستاره‌های ایرانی شده که با سودای فوتبال اروپا از کشور خارج می‌شوند. میلاد محمدی، کاوه رضایی، یونس دلفی، امید نورا فکن و علی قلی‌زاده از ستاره‌های جوان و آینده‌داری هستند که لیگ بلژیک را به لیگ ایران ترجیح دادند. باشگاهی مانند شارلرواکه از مدیری ایرانی استفاده می‌کند، توانسته تعداد زیادی از ستاره‌های لیگ ایران را بر بیاورد و به ترکیب گورخرهای بلژیکی اضافه کند و یکی از دلایل مهم انتقال ایرانی‌ها به بلژیک لقب بگیرد.

از دیگر دلایلی که بلژیک در سال‌های اخیر ایرانی‌های بیشتری را می‌پذیرد، حضور متمرثمر ایجنت‌ها و دلالت‌هاست. روابط مدیر برنامه‌های فوتبالی بازیکنان با باشگاه‌های بلژیکی بهتر از باشگاه‌های به‌مراتب حرفه‌ای‌تر است و اگر به سابقه ترانسفر بازیکنان ایرانی نگاه کنیم، اسامی دلالت‌های مشترک زیادی به چشم می‌خورد. بازیکنان ایرانی برخلاف هم‌تایان انگلیسی و اسپانیایی خود، به علت شرایط تحریم‌های مالی و پرداختی‌های نامشخص باشگاه‌های شان نمی‌توانند از هدایت ایجنت‌های رسمی فیفا بهره‌مند شوند و مجبور به تن دادن به قرارداد با دلالت‌هایی هستند که برای چندصد یورو بیشتر، آینده فوتبالی بازیکنان ایرانی را دستخوش تغییراتی جبران‌ناپذیری کنند.

از سوی دیگر ثبات در فوتبال ایران موضوعی ناشناخته به نظر می‌آید. ستاره‌های ایرانی در دنیا به چشمک و درخشش کوتاه و افول طولانی معروفند و نمونه‌هایش در لیگ خودمان نیز بسیار است. در بین لژیونرهای حال حاضر شاید بانثبات‌ترین ملی‌پوش، سردار آزمون باشد. سردار را با گلزنی‌های بیایی به اطر می‌آوریم و دلیل نیتر شدنش همین ثبات چشمگیرش است. ثبات علیرضا جهانبخش در سال‌های گذشته کمک شایانی به انتقالش به برایتون کرد. دایره ارتباطات ضعیف با مدیر برنامه‌های رسمی و موفق فیفا و عدم ثبات در زندگی حرفه‌ای از مهم‌ترین دلایل عدم حضور ستاره‌های ایرانی در تاپ‌فور لیگ‌های اروپایی و حلقه مفقوده موفقیت آنهاست.



فوتبال ایران دور از تحول و تغییر

## زندگی در سطح ۲

سامان موحدی راد



بهترین محصول فوتبال ایران در چند سال اخیر قرار است در دوران اوج بازی‌اش راهی تیمی به نام آنتورپ در لیگ بلژیک شود؛ تیمی که شاید خیلی هات‌تاکتیکی دو سال پیش نامش را هم نشنیده بودند. رفتن علیرضا بیرانوند به آنتورپ البته در این روزها چندان عجیب نیست. بلژیک چند سالی است که به مقصد اول بازیکنان فوتبال ایران تبدیل شده و ملی‌پوشان زیادی راهی این لیگ می‌شوند تا بر حسب لژیونر را بر سینه بزنند؛ بر حسبی که سال‌ها پیش برای ما معادل بازی کردن در بوندس لیگا و سری «آ» بود.

از سال‌های ابتدایی ۲۰۰۰ که فوتبال ایران در سطح اول فوتبال جهان نمایندگان شایسته داشت، نزدیک به ۲۰ سالی می‌گذرد. انگار گذشت این همه سال، توسعه و پیشرفت فوتبال در ایران و تغییر نگاه جهانی به ایران رابطه عکسی با حضور جهانی ستاره‌های فوتبال ایرانی در اروپا داشته است، چرا که بعد از آنکه دوران حضور مهدوی‌کیا و هاشمیان در اروپا به سر رسید و به سال‌های بازنشستگی نزدیک شدند و آلمان را ترک کردند، دیگر تا سال‌ها فوتبال‌بستی از ایران رنگ یکی از لیگ‌های معتبر فوتبال دنیا را ندید. دیگر بعد از آن دنبال کردن اخبار لژیونر‌ها برای ایرانی‌ها از بوندس لیگا به لیگ‌هایی چون پرتغال، یونان و بلژیک محدود شد.

۲۰ سال پیش وقتی ایران بعد از سال‌های یک جام جهانی را تجربه کرد چند ستاره بزرگش راهی آلمان شدند. ۲۰ سال بعد پس از آنکه ایران ۳ جام جهانی را تجربه کرد، نهایتاً یکی دو محصولش راهی اسپانیا شدند. حتی حضور مربی شناخته شده‌ای چون کارلوس کی‌روش هم تأثیری در بین‌المللی‌تر شدن فوتبال ایران نداشت. ایران در حالی در ۵ سال اخیر بهترین تیم آسیا در رتبه‌بندی بود که در بعضی مواقع حتی در سطح تیمی مانند چین هم لژیونر در لیگ‌های معتبر نداشت.

افت فوتبال ما دلایل زیادی دارد. یکی شاید این باشد که با تحول ساختارهای فوتبال، ما متحول نشدیم. طبیعتاً ساز و کار فوتبال حرفه‌ای در باشگاه‌های دنیا نسبت به سال ۱۹۹۸ تغییرات گسترده‌ای کرده و فوتبال هم نسبت به آنچه دو دهه پیش بازی می‌شد، تغییر یافته. اما به نظر نسیم این تغییرات در فوتبال ایران وزیده نشده است. همچنان فوتبال‌بست‌های ایرانی در اروپا با مشکلات قبل دست‌وپنجه نرم می‌کنند. نظم‌پذیری و ساختارپذیری نیستند و تنها در صورتی می‌توانند کمی موفق باشند که مثل آزمون و جهانبخش از ابتدای دوران حرفه‌ای به اروپا بروند. مسائل اقتصادی هم در حضور کم‌رنگ ایرانی‌ها در اروپا مؤثر است. در ایران شرکت تجاری بزرگی نداریم که مثل هم‌تایان آزاد مادر قاره به منظور بستن قرارداد با بازیکنان ایرانی بازار جدیدی برای تیم‌ها ایجاد کند.

پیشنهاد خوب آنتورپ بیرانوند را متقاعد کرد

## دین محمدی: ستاره‌های ایرانی اهل چالش سخت نیستند

ناصر قراگزلو



فوتبال ایران مدت‌هاست ناتوان از صدور ستاره به یک لیگ معتبر شده است. برای بررسی این نقصان و مشکل سراغ سیروس دین محمدی، بازیکن سابق فوتبال کشورمان رفتیم که سابقه حضور در بوندس لیگا را دارد.

چرا فوتبال ایران مدت‌هاست نتوانسته ستاره‌ای را به یکی از لیگ‌های معتبر اروپایی صادر کند؟ ریشه این مشکل در کجاست؟

من تعجب می‌کنم چرا بازیکنان ما به لیگ‌های ضعیف اروپایی می‌روند. قبلاً ما در لیگ‌های معتبر فوتبال اروپا نظیر آلمان، اسپانیا و ایتالیا بازیکن داشتیم اما حالا بازیکنان ما سر از لیگ‌های درجه سوم اروپا سر درمی‌آورند. شاید کیفیت بازیکنان ما نسبت به ستاره‌های بقیه تیم‌ها پایین‌تر آمده و یا شاید آنها اصلاً پیشنهادی از تیم‌های مطرح نداشتند و چاره‌ای جز انتخاب لیگ‌های درجه ۳ و تیم‌های معمولی ندارند.

مشکل اقتصادی، مشکل سیاسی یا سایر موارد را در عدم حضور بازیکنان مان در لیگ‌های درجه یک دخیل نمی‌دانید؟

نه، من فکر نمی‌کنم مسائلی که مطرح کردید در انتخاب بازیکنان ما دخیل باشد. هر بازیکنی آرزو دارد که به تیم‌های بزرگ اروپایی برود. ما هم قبلاً ستاره‌های زیادی نظیر دایی، مهدوی‌کیا و باقری و چند ستاره دیگر را داشتیم که سال‌ها در تیم‌های اروپایی درجه یک بازی می‌کردند اما چند سالی است که نشانه‌ای از تکرار درخشش ستاره‌های مان در تیم‌های بزرگ نداریم. در مورد بیرانوند هم فکر می‌کنم دلیل پیشنهاد مالی خوب ارائه شده از سوی تیم بلژیکی او را به عقد قرارداد با آنتورپ مجاب کرده.

حضور در لیگ‌های معتبر اروپایی چه الزاماتی دارد؟

بازی در تیم‌های بزرگ و لیگ‌های معتبر می‌طلبد که بازیکن از لحاظ روحی- روانی در شرایط بالایی باشد و خودش را آماده مواجهه با مسائل سخت و چالش‌های مختلف کند اما شاید بازیکنان ما نمی‌خواهند خودشان را در دردمر بیندازند و یا به قولی نمی‌خواهند خودشان را با چالش‌های بزرگ مواجه سازند.

اما ما شاهدیم که بازیکنان سایر تیم‌های آسیایی در تیم‌های بزرگ اروپایی و در تیم‌هایی نظیر اتلتیکو مادرید با لیورپول بازی می‌کنند.

بله، متأسفانه ما بازیکنی در تیم‌های بزرگ نداریم و باید از این بابت افسوس و حسرت بخوریم که چرا ستاره‌ای از فوتبال ایران در کشورهای مطرح حضور ندارد. البته من خودم هم تعجب می‌کنم چرا بازیکنی از ایران در تیم‌های بزرگ حضور ندارد چرا که بالاخره ما در دو جام جهانی قبلی حضور متوالی داشتیم و بازیکنان ما در بزرگ‌ترین و بهترین فوتبال دنیا حضور داشتند، اما با این وجود بازیکنی از تیم ملی ما در تیم‌های بزرگ حاضر نشد.